

(مقاله پژوهشی)

ساختار معرفتی «کلام اجتماعی» با الهام از اندیشه استاد مطهری (ره)

فیاض رستمی یکتا^۱، علی الهبداشتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۵

چکیده

این مقاله با روش ترکیبی «اسنادی» و «تحلیلی»، به تبیین و تحلیل ساختار معرفتی کلام اجتماعی اسلام با الهام از اندیشه‌ی کلامی - اجتماعی استاد مرتضی مطهری پرداخته است و یافته‌های آن به این شرح است: تعریفی از کلام اجتماعی اسلام به دست آمد که دارای چهار رکن «استخراج و تبیین و اثبات عقاید اجتماعی»، «تبیین و اثبات سایر معارف اجتماعی دین»، «تحلیل مسائل جدید اجتماعی» و «تبیین کارکرد اجتماعی آموزه‌های اعتقادی» می‌باشد؛ کلام اجتماعی بنا به غایات مختلف آن، دارای روش‌های متنوع و موضوعات مختلف است؛ علاوه بر مسائل مرسوم اعتقادی - اجتماعی، کلام اجتماعی مسائل عمده‌ی دیگری را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کلام، کلام اجتماعی، استاد مطهری، ساختار معرفتی

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران (نویسنده مسئول).

f.rostamiyekta@gmail.com

alibedashati@yahoo.com

^۲. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

مقدمه

انسان بالطبع اجتماعی است و شبکه‌ای از نیازهای اجتماعی دارد که در هر زمان به نحوی ظهور و بروز می‌یابد. بخصوص در دوران معاصر که به دلایل مختلف نیازهای اجتماعی بسیار بیشتر از قبل پیدا شده و نیازمند پاسخ مقتضی در راستای کمال حقیقی او می‌باشد.

دین اسلام تکامل یافته‌ی ادیان الهی به عنوان یک مجموعه‌ی نظام‌مند و به‌هم‌پیوسته است که به همه‌ی شئون بشری اعم از فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی پرداخته است و برای تحقق هدف اسلام می‌بایست به همه‌ی جنبه‌های آن توجه کرد تا هدایت همه‌ی جنبه‌ی دینی محقق گردد. علوم و الهیات اسلامی در طول تاریخ اسلامی با هدف مطالعه، استنباط، استخراج و ارائه‌ی معارف اسلام بنیان گذاشته شده‌اند تا معارف حق‌ی الهی را برای رشد و تکامل انسانی عرضه کرده و بر اساس مقتضیات هر زمان، پاسخگوی نیازهای علمی و معنوی بشر باشند و نتیجه‌ی مجاهدت‌های اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ اسلامی، مجموعه معارف عظیم و شکوهمندی است که در قالب معارف مختلف اسلامی در دسترس حقیقت‌طلبان است. با این همه، به دلایل گوناگونی - که از فرصت این نوشتار خارج است - آنچه امروزه به عنوان معارف اسلامی در دسترس است همه‌ی اسلام نیست و هنوز به بخش‌های مهمی از معارف اسلامی در قالب علوم و معارف اسلامی مرسوم پرداخته نشده است. از طرف دیگر نیازها و اقتضائات و سؤال‌ها و شبهات جدیدی بخصوص در دوران جدید پدید آمده است که می‌بایست با استخراج از معارف اسلامی به آن‌ها پاسخ داده شود ولی به هیچ عنوان تقاضا با عرضه همگونی ندارد. بر این اساس باید رشته‌های مرسوم اسلامی به موضوعات جدید و مقتضی پردازند به عنوان مثال فقه باید به انبوهی از نیازهای جدید مثل مسائل پزشکی، روانپزشکی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و ... پرداخته و احکام اسلامی را در این زمینه‌ها استخراج و عرضه کند که این امر می‌تواند در قالب رشته‌ها یا گرایش‌های جدید فقهی عملی شود. در علوم اسلامی دیگر نیز غالباً این ضرورت وجود دارد. علم کلام به عنوان یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی از این ضرورت مستثنی نیست. در آموزه‌های اعتقادی اسلام مباحث اجتماعی مهمی وجود دارد که قسمتی از آنها در آثار

متکلمان متقدم اسلامی آمده است ولی با توجه به اینکه در دوران معاصر، مسائل اجتماعی به صورت گسترده در کانون توجهات بشر و بخصوص اندیشمندان قرار گرفته است، اهمیت ابعاد اجتماعی آموزه‌های اعتقادی اسلام بیش از پیش روشن شده است و متکلمان معاصر اسلامی مانند علامه طباطبایی، امام خمینی، شهید صدر، مرحوم طالقانی، استاد مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و ... هم بدان آموزه‌ها توجه ویژه کرده‌اند. علاوه بر آن، پاسخ‌های گوناگونی از طرف متکلمان اسلامی به شبهات جدید اجتماعی ارائه گردیده است. با این همه، این توجه و رویکرد به ابعاد اجتماعی اعتقادات اسلامی نسبت به نیازهای پدید آمده اندک است. بنابراین لازم است که به صورت بایسته و شایسته و در قدم اول، در قالب ایجاد رشته یا گرایش علمی، به صورت نظام‌مند در این راستا مطالعه و اجتهاد صورت گیرد و اندیشه‌های متکلمان معاصر اسلامی و بخصوص استاد مرتضی مطهری که در عین تأکید بر انسجام و یکپارچگی معارف دینی، بنا به ضرورت‌های جهان امروز توجه ویژه‌ای به ابعاد اجتماعی اسلام نموده‌اند، مواد علمی ارزشمندی برای نیل به این مقصود در اختیار گذاشته است. به نظر می‌رسد با توجه به نیازهای اعتقادی - اجتماعی در بشر امروز و سؤال‌ها و شبهات فراوان از طرفی، و وجود اندیشه‌های ناب اجتماعی در اسلام و در آثار برخی از متکلمان معاصر و انگیزه‌ی دانش‌پژوهان کلامی از طرف دیگر، ایجاد کلام اجتماعی به عنوان گرایشی از کلام اسلامی ضروری است و برای این منظور، روشن نمودن مقولاتی مانند تعریف، غایت، موضوع، وظایف و مسئولیت‌ها، روش و مسائل ضروری است.

۱) چارچوب مفهومی

قبل از تعریف کلام اجتماعی، لازم است که به تعریف «علم کلام» که عام‌تر است و کلام اجتماعی شاخه‌ای از آن محسوب می‌شود پرداخته شود.

۱-۱) علم کلام

متکلمان از دیرباز تعاریف مختلفی از علم کلام ارائه کرده و محورهایی را در تعریف گنجانده‌اند. محورهایی مانند اقامه دلایل عقلی بر عقاید دینی و ابطال نظر مخالفان

(فارابی، ۱۹۹۱: ۴۱؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۹۳۴ و ۹۳۵)؛ بحث از اصول عقاید و اصول دین (بحرانی، ۱۴۰۶: ۲۰)؛ بحث از ذات، صفات و افعال الهی (جرجانی، بی تا: ۸۰)؛ ایجاد توانایی استدلالی اثبات عقاید دینی (ایجی، ۱۳۲۵: ۷)؛ علم به قواعد شرعی اعتقادی از طریق دلایل یقینی (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۱۶۵)؛ صناع نظری اثبات کننده عقاید دینی و دفع کننده شبهات آنها (لاهیجی، ۱۴۲۵: ۴۱)؛ طرد باطل از طریق استدلال برهانی و جدال (مکدموت، ۱۳۷۲: ۱۰).

با توجه به اینکه تعریف کلام اجتماعی را بر اساس مبنایی که استاد مطهری در تعریف علم کلام برگزیده است ارائه خواهیم داد، بنابراین لازم است که تعریف استاد از علم کلام را طرح کرده و تحلیلی از آن ارائه نماییم.

تعریف استاد به این صورت است که علم کلام علمی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می کند، به این نحو که آن‌ها را توضیح می دهد و درباره آن‌ها استدلال می کند و از آن‌ها دفاع می نماید. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵) به بیان دیگر، علمی است که درباره اصول دین اسلام بحث می کند، به این نحو که چه چیز از اصول دین است؟ چگونه و با چه دلیل اثبات می شود؟ جواب شکوک و شبهاتی که درباره آن وارد می شود چیست؟ (همان: ۲۲). ایشان همچنین در جایی دیگر از آثار خود در مورد علم کلام می گوید: "کلام علمی است که دو وظیفه دارد: یکی دفاع و رد شبهات و ایرادات به اصول و فروع اسلام، و دیگر بیان یک سلسله تأییدات برای اصول و فروع اسلام (کلام قدیم تماماً متوجه این دو قسمت است)" (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸۴)

در جملات اخیر استاد، بیان تأییدات برای فروع اسلام و دفاع از فروع اسلام در مقابل شبهات وارده به آن هم جزو تعریف علم کلام محسوب می شود. بنابراین با جمع این اشارات، می توان تعریف علم کلام در دیدگاه استاد مطهری را به این صورت ارائه داد که علم کلام علمی است که با استفاده از روش‌های مختلف، اولاً عقاید اسلامی را استخراج، تبیین و اثبات کرده و از آن‌ها دفاع می نماید، ثانیاً در خصوص سایر حوزه‌های معارف اسلامی نیز - بنا به ضرورت - به اثبات و تأیید پرداخته و در مقابل شبهات وارده از آنها دفاع می کند.

مجموعه‌ی آثار استاد مطهری مصداق کاملی از این تعریف علم کلام است. ایشان علاوه بر تبیین اعتقادات اسلامی و دفاع از آنها، در خصوص سایر معارف اسلامی هم به توضیح منطقی و بیان تأییدات پرداخته و به شبهات پاسخ مقتضی داده است. کتاب‌های مسأله‌ی حجاب، نظام حقوق زن در اسلام و اخلاق جنسی نمونه‌هایی از این فعالیت کلامی است. این تعریف از جهاتی بر تعریف‌های دیگر برتری دارد، اولاً تبیین و توضیح عقاید اسلامی را هم از مسئولیت‌های کلام و متکلم دانسته است؛ چه بسا منشأ شبهات و اعتراض مخالفین، تفاسیر غلط آنان از عقاید باشد و راه پاسخگویی به این نوع شبهات و دفاع از دین، تفسیر و توضیح مفاهیم و عقاید دینی است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۶) و ثانیاً بیان تأییدات برای حوزه‌های دیگر معارف اسلامی و دفاع از شبهات وارده به آنها را نیز جزو وظایف کلام اسلامی دانسته است. با این تعریف، موضوعات و وظایف علم کلام حوزه‌های وسیعی را شامل می‌شود که در بخش‌های آتی بدان می‌پردازیم.

معرفی و توضیح اصول دین به منزله رکن اول این تعریف، مهم‌ترین وجه اثباتی آن است که به کلام هویت معرفتی بخشیده (همان: ۶۵) و این تأکید بر ماهیت معرفتی علم کلام در تبیین آموزه‌های دینی، ناظر بر دغدغه‌های اجتماعی ایشان است که همواره از عدم ارائه چهره ناب دین و بخصوص اعتقادات اسلامی در ادوار مختلف تاریخ و راه یافتن خرافات به ساحت آموزه‌های دینی و تأثیرات سوء آن بر باورهای مردم به عنوان نقطه ضعف یاد می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۴) در خصوص برتری دوم این تعریف هم باید گفت که هیچ علمی از علوم اسلامی متکفل بیان تأییدات عقلی، اجتماعی، علمی و ... برای اثبات معقولیت فروع اسلامی نیست. مثلاً علم فقه تنها در صدد استخراج و ارائه‌ی احکام گوناگون اسلام است. بیان فلسفه‌ی احکام و تبیین منطقی معقولیت آنها و نیز دفاع از آنها در مقابل شبهات مختلف، وظیفه علم کلام و متکلم اسلامی است.

۱-۲) کلام اجتماعی

استاد مطهری در کتاب آینده انقلاب اسلامی ایران و در بحث وظایف حوزه‌های علمیه، به ضرورت تأسیس کلامی جدید اشاره می‌کند که باید در آن به موضوعات جدید پرداخته

شود. موضوعاتی مانند: بررسی علل پیدایش دین از نظر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، آینده دین و مذهب، مهدویت در اسلام، وحی و الهام از نظر علوم روانی جدید، بررسی مجدد ادله توحید با توجه به تأییدات جدید و ایرادات و شبهات مادیین جدید، امامت و رهبری از جنبه اجتماعی، فلسفه تاریخ با توجه به مکاتب قدیم و جدید، تعلیم و تربیت اسلامی، اقتصاد اسلامی، فلسفه اجتماع از نظر تطبیقی و بیان اصول اجتماعی اسلام و جامعه ایده‌آل اسلامی. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸۴ و ۲۸۵) استاد مطهری تا حدی خود بسیاری از این موضوعات را بررسی و به بحث گذاشته است. به نظر می‌رسد رویکرد عقلانی-اجتماعی در این موضوعات، مهم‌ترین ویژگی تجدد آنهاست و بنابراین بخش مهمی از مباحث کلام جدید پیشنهادی استاد مطهری را می‌توان کلام اجتماعی تلقی نمود و کلام جدید اسلامی هم در واقع هویت واحدی با کلام سنتی دارد. بنابراین، کلام اجتماعی گرایشی از علم کلام اسلامی است و چنانچه در تعریف آن روشن خواهد شد وجوه اشتراکی با کلام سنتی و وجوه تمایزی با آن دارد ولی وجوه اشتراک آنها به گونه‌ای است که آنها را در قالب یک علم واحد قرار می‌دهد و وجوه تمایز غالباً در مسائل جدید اجتماعی است. غایت کلی کلام اجتماعی هم همان غایت کلام اسلامی است و البته در راستای آن غایت کلی، دارای غایاتی جزئی‌تر و وظایف و رسالت‌هایی مشخص است. بنابراین کلام اجتماعی گرایشی از کلام اسلامی است و پیش‌فرض کلام اجتماعی اسلامی این است که دین اسلام قلمرو حداکثری دارد؛ به این معنا که دین مجموعه‌ای از معارف الهی است که در شئون مختلف فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بشر دخالت کرده و برنامه‌ها و رهنمودها و دستورات گوناگونی در همه‌ی این شئون ارائه می‌نماید که لازمه‌ی رشد و کمال و سعادت بشر در عرصه‌های مختلف، استفاده و پایبندی به این مجموعه در کنار عقل و علوم خویش است. محدود کردن دین اسلام به عرصه‌ی اخروی و یا محدود کردن آن به عرصه‌ی اخروی و دنیوی صرفاً فردی، ناسازگار با براهین بدیهی عقلانی و آموزه‌های دینی و در راستای سلب سعادت حقیقی بشر است. خاستگاه اصلی نگرش قلمرو حداقلی دین - که سکولاریسم با معانی مختلفش نمودی از آن است - جهان غرب و دین مسیحیت تحریف شده است و هر چند جریان‌هایی هم در جهان اسلام به دفاع از این نگرش پرداخته و شبهه‌ی قلمرو حداقلی دین

اسلام را مطرح کرده‌اند اما این نگرش با حقیقت اسلام ناسازگار است. یکی از عواملی که به تقویت این شبهه در تاریخ معاصر کمک کرده است عدم تبیین و ارائه‌ی اجتماعیات اسلامی به نحو شایسته توسط اندیشمندان مسلمان است. هرچند که بسیاری از آموزه‌های اسلامی دارای ماهیت اجتماعی است و به تعبیر امام خمینی (ره) «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱) و به تعبیر استاد مطهری «مقررات اسلامی ماهیت اجتماعی دارد؛ حتی در فردی‌ترین مقررات از قبیل نماز و روزه، چاشنی اجتماعی در آنها زده شده است.» (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۱۶) با این همه در طول تاریخ علوم اسلامی، به آموزه‌های فردی اسلام توجه فراوانی شده ولی آموزه‌های اجتماعی به نحو شایسته و علمی تبیین نشده است و حوزه‌ی کلام اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. می‌توان گفت که کلام اجتماعی در مقابل کلامی قرار می‌گیرد که صرفاً به شئون فردی بشر توجه داشته و بنابراین تمام اعتقاداتی که ارائه می‌دهد از نوع شخصی و فردی است و توجهی به جامعه و ابعاد اجتماعی بشر و باورهای مرتبط با آنها توجهی ندارد که البته کلام اسلامی از چنین هویتی برخوردار نیست، کلام اسلامی از دیرباز به مسائل اجتماعی نیز توجه داشته و ایجاد گرایش اجتماعی در آن هم به اقتضای ضرورت‌های دنیای معاصر است. با توجه به اشارات فوق، اگر بخواهیم تعریف مشخصی از کلام اجتماعی ارائه دهیم باید بگوییم: کلام اجتماعی گرایشی از کلام اسلامی است که با استفاده از روش‌های گوناگون استدلال، اولاً عقاید اجتماعی اسلام را استخراج، تبیین و اثبات کرده و در مقابل شبهات وارده از آنها دفاع می‌نماید، ثانیاً در خصوص سایر حوزه‌های اجتماعی اسلام نیز - بنا به ضرورت - به تبیین و اثبات و دفاع می‌پردازد، ثالثاً تحلیل و موضع‌گیری دقیق کلامی در مسائل جدید و نوظهور اجتماعی می‌کند، رابعاً کارکرد آموزه‌های اعتقادی را در عرصه‌ی زندگی اجتماعی تبیین می‌نماید. این تعریف را می‌توان تعریف به غایت نامید، هرچند که اشاره‌ای به روش کلام اجتماعی نیز در آن شده است و دلیل اینکه کلام اجتماعی را تعریف به موضوع نکردیم این است که همانطور که در مبحث «موضوع کلام اجتماعی» خواهد آمد، کلام اجتماعی دارای موضوعات متعددی است و چیزی که وجه مشترک بین

موضوعات مختلف کلام اجتماعی است، غایات مشخص آن است. بنابراین امکان تعریف به موضوع در کلام اجتماعی وجود ندارد. در خصوص قید «روش‌های گوناگون استدلال» که در متن تعریف آمده است، باید گفت که همانطور که در بحث روش خواهد آمد، بر اساس هر موضوعی از کلام اجتماعی، می‌توان از روش مرتبط با آن موضوع استفاده نمود.

۲) اهداف و غایات کلام اجتماعی

از تعریفی که برای کلام اجتماعی اسلامی ارائه دادیم، غایات آن هم روشن می‌شود:

- شناخت تحقیقی و تحلیلی جنبه‌های اجتماعی اعتقادات اسلامی
- تبیین و ارائه‌ی جنبه‌های اجتماعی اسلام به زبان روز جهت ارشاد مؤثر مسترشدان
- شناخت شبهات جدید و پیچیده‌ی اجتماعی وارده به دین اسلام و معارف اسلامی
- پاسخ به شبهات اجتماعی جدید وارده به دین با استفاده از انواع ابزارها و شیوه‌های کارآمد

۳) موضوع و مسائل کلام اجتماعی

ابتدا به موضوع علم کلام می‌پردازیم تا در ادامه موضوع کلام اجتماعی مشخص گردد. در خصوص موضوع علم کلام، عده‌ای آن را علم بدون موضوع تلقی کرده‌اند ولی مشهور این است که دارای موضوع است. کسانی که قائل به موضوع داشتن هستند به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند که هر گروه هم دارای نظریات مختلفی هستند:

گروه اول معتقدند که علم کلام موضوع واحدی دارد اما در مصداق این موضوع واحد، اختلاف نظر وجود دارد: موجود بما هو موجود. (تفتازانی، ۱۴۲۲: ۷۶؛ حلی، ۱۴۱۹: ۱۲؛ لاهیجی، ۱۴۲۵: ۳)، معلومات خاصه (جرجانی، ۱۴۱۹: ۷)، وجود خداوند و ممکنات (تفتازانی، ۱۴۲۲: ۴۲)، ذات حق و صفات او (سبحانی، ۱۴۱۱: ۱۷)، عقیده‌های ایمانی (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۳۲، ۹۳۳ و ۹۴۷)، اوضاع شریعت (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۳۰)

گروه دوم موضوع علم کلام را متعدد می‌دانند و معتقدند که ضرورتی ندارد هر علمی موضوع واحدی داشته باشد بلکه برخی از علوم به دلیل ماهیت خاص خود، موضوعات متعددی دارند که علم کلام از این قبیل است و جهت جامعی بین موضوعات مختلف آن

وحدت ایجاد می‌کند. خواجه نصیرالدین طوسی و استاد مطهری دارای چنین دیدگاهی هستند که خواجه جهت و عامل وحدت‌بخش را «انتساب به باری تعالی و معرفت او» می‌داند یعنی علم کلام دارای موضوعات متعددی است ولی جهت وحدت همه‌ی آنها این است که به بحث از معرفت خداوند متعال و ذات و صفات او می‌پردازند. (حلی، ۱۳۶۳: ۲۱۱ و ۲۱۳) اما استاد مطهری معتقد است که جهت وحدت، غرض و غایت این علم است. ایشان موضوعات کلام را بسیار گسترده‌تر از آن چیزی که خواجه نصیر و دیگران مطرح می‌کنند می‌داند و علاوه بر اینکه اصول دین و مسائل اعتقادی جزو موضوعات این علم است، با توجه به هویت دفاعی این علم و اینکه یکی از وظایف مهم آن دفاع از ساحت دین در عرصه‌های مختلف اعم از اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و ... است بنابراین موضوعات آن هم متکثر است و محدود به حد خاصی نیست بلکه می‌تواند علاوه بر تبیین و اثبات آموزه‌های اعتقادی و دفاع از آنها، مجموعه‌ی موضوعاتی باشد که با شبیه به هر حوزه از دین پیدا می‌شود و بنابراین با گذشت زمان و پدید آمدن موضوعات جدید در اندیشه‌ی بشری و ایجاد شبهات احتمالی به ساحت‌های مختلف دین، موضوعات علم کلام هم گسترده‌تر می‌شود. اما آنچه بین موضوعات متکثر و گوناگون وحدت ایجاد می‌کند، غرض و غایت علم کلام است. (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۶۲ و ۶۳)

استدلال استاد مطهری در اینکه کلام موضوع واحد ندارد این است که مسائل آن وحدت اعتباری دارند. ایشان معتقد بود که کلام مانند فلسفه موضوع واحدی ندارد؛ زیرا موضوع مشخص داشتن برای علمی است که مسائل آن علوم وحدت ذاتی دارند؛ اما علمی که مسائل آن وحدت اعتباری دارند نمی‌توانند موضوع واحدی داشته باشند. مسائل علم کلام وحدت اعتباری دارند و لازم نیست مانند علمی که مسائل آنها وحدت واقعی دارند، وحدت موضوع داشته باشد. (همان)

بنابراین نظریه، علم کلام مجموعه مطالبی است برای دفاع از حریم دین، اثبات احکام دین و رد دیدگاه‌های معاندان. این مجموعه را از هر علمی می‌توان فراهم ساخت و بدین ترتیب، متکلم می‌تواند بر عرصه مسائل جامعه شناختی، روان شناختی، اخلاقی، حقوقی و

... پای گذارد و از آن لحاظ که با دیانت پیوند می خورد به آنها نظر کند و اگر در این مسائل علیه دین نتایجی به دست آمده با ابزار ویژه خود آنها را بررسی کند. متکلم، عقاید اسلامی را از متون اصلی دین یعنی قرآن و سنت استخراج کرده و سپس به توضیح آنها می نشیند و آن گاه به پاسداری از آنها برمی خیزد و در مقابله با اندیشه های باطل، درستی عقاید دینی را اثبات می کند و در این راستا هیچ محدودیتی ندارد. در سایر حوزه های دین نیز مانند احکام و اخلاق فردی و اجتماعی هم، در حد اقتضا به اثبات و دفاع می پردازد. بنابراین، هرچیزی که در زمینه هدف علم کلام باشد از مسائل علم کلام بوده و متکلم می بایست درباره آن به بررسی و استدلال پردازد؛ چه به اصول دین مربوط گردد و چه به فروع (در مقام دفاع از فروع دین) ... استاد مطهری کلام را به اعتبار همین گستردگی، دارای موضوع واحد نمی داند. مسائلی که اشاره شد همه با یک وحدت اعتباری به هم پیوند می خورند و بر این اساس در جستجوی موضوع واحد بودن برای علم کلام کاری عبث است. (بهشتی، ۱۳۷۳: ۸۷)

با محور قرار دادن دیدگاه استاد مطهری در موضوع علم کلام، موضوع کلام اجتماعی هم متکثر خواهد شد و هر موضوعی که در راستای غایت و غرض کلام اجتماعی باشد می تواند موضوع این گرایش باشد. بنابراین موضوعاتی نظیر آموزه های اجتماعی اعتقادات اسلامی، شبهات اجتماعی، مبانی فلسفی مکاتب و جریان های جدید اجتماعی را می توان به عنوان بخشی از موضوعات کلام اجتماعی عنوان کرد.

بر این موضوعات، مسائل مختلفی متفرع می شود که میتوان آنها را نیز به عنوان بخشی از مسائل کلام اجتماعی اسلامی مطرح کرد:

- توحید اجتماعی، ولایت اجتماعی، عدالت اجتماعی و ...
- شبهاتی مانند حقوق زن، احکام جزایی اسلام و نقض حقوق بشر، ناکارآمدی حکومت اسلامی، لزوم رنسانس اسلامی
- مبانی فکری تمدن ها و مکاتب جدید و موضع اسلام
- مبانی تکنولوژی ها و دستاوردهای علمی جدید و موضع اسلام
- مبانی رسانه های جدید اجتماعی و موضع اسلام

۴) وظایف و مسئولیت‌های کلام اجتماعی

۴-۱) استخراج اعتقادات اجتماعی از متون دینی

همانطور که در مقدمه توضیح داده شد کلام اسلامی بنا به دلایل مختلف در طول تاریخ خود غالباً به موضوعات فردی گرایش پیدا کرده و کمتر به موضوعات اجتماعی پرداخته است و در مواردی هم که در متون متکلمان متقدم به اعتقادات اجتماعی پرداخته شده است غالباً متکلمان دوره‌های بعد - به جز برخی از متفکران معاصر اسلامی - آن‌ها را به همان سبک یا با تغییر اندکی تکرار نموده و از استخراج و استنباط ابعاد مختلف اعتقادات اجتماعی با استفاده از «مجموع آیات و روایات» غافل شده‌اند. پیدایی و رشد نیازهای اجتماعی در حوزه‌ی اعتقادات در دوران جدید، ضرورت استخراج اعتقادات اجتماعی از متون دینی جهت پاسخ به نیازهای مقتضی را صد چندان کرده است.

مهم‌ترین وظیفه و رسالت کلام اجتماعی این است که آموزه‌های اعتقادی اسلام که دارای بعد اجتماعی می‌باشند را از مجموعه‌ی آیات و روایات استخراج و استنباط نماید. نیازهای فراوانی که در موضوعات و عرصه‌های اجتماعی هر روز بیش از پیش پدیدار می‌شود و این نیازها و شبهات اعتقادی پدید آمده از آنها با شدت تمام، انسان امروزی را احاطه نموده و حتی در عرصه و حریم مؤمنان به دین الهی وارد شده است، اقدام جدی و فوری جهت اجتهاد پویا در عرصه‌های اجتماعی دین و بخصوص عرصه‌های اعتقادی - اجتماعی و استنباط و استخراج آموزه‌هایی از متن دین الهی که پاسخ‌گوی این نیازهای پرشمار باشد را ضروری می‌سازد. برای این منظور، الگوی زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) پیش‌فرض‌ها و مبانی کلام اجتماعی اثبات شوند

ب) آموزه‌ها و مسائل مرتبط با کلام اجتماعی از متون دینی استخراج گردند

ج) نیازمندی‌های اجتماعی مرتبط با اعتقادات شناسایی شوند

د) بین مبانی، مسائل و نیازمندی‌ها، ارتباط منطقی ایجاد شده و تلاش گردد که آموزه‌های اعتقادی - اجتماعی اسلام با مبانی مستحکم و اثبات شده، در جهت رفع نیازهای اجتماعی بشر به کار گرفته شود.

۴-۲) تبیین و اثبات آموزه‌های اجتماعی دین با استدلال کارآمد و ادبیات روز

تبیین عقلانی و با ادبیات قابل فهم برای بشر امروزی هم نکته‌ی بسیار مهمی است که این خصوصیت بخصوص در آثار مکتوب و بیانات استاد مطهری از ارائه‌ی معارف اسلامی کاملاً نمایان است. همچنان‌که در تعریف علم کلام گذشت، استاد مطهری «تبیین و توضیح» را به تعریف کلام اضافه نموده است و مجموعه‌ی آثار ایشان مصداق عینی از این مهم است. در بیان مسائل عمیق به زبان ساده و در عین حال زیبا، و نیز مد نظر قرار دادن اقتضائات و نیازهای زمان جایگاهی ویژه دارد. تأثیر و نفوذ عبارات ایشان بسیار عمیق و پرمایه است. نظریاتش، سخنرانی‌هایش و تألیفاتش مبتنی بر درک نیازهای زمانه است. او جامعه‌ی روزش را به خوبی می‌شناسد، دغدغه‌های انسان امروزی را درک کرده است، و درد جامعه را به خوبی لمس نموده است و در پی آن است که پاسخ این هندسه‌ی نیازها را از متن دین حقیقی ارائه دهد.

«در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تدریس درس کلام که متن اصلی آن «شرح تجرید الاعتقاد» بود برعهده ایشان گذاشته شده بود و او به جای خواندن متن «کشف المراد» و جراحی‌های ادبی تعبیرات و جملات قدیمی کتاب یادشده، دغدغه‌های خود و دانشجویان را به بحث می‌گذاشت. مطهری به عنوان یک فیلسوف الهی آشنا با منابع دین اسلام از یک سو، و مطلع از شبهات مطرح شده در روزگار خود که ذهن جوان‌ها را مسئله دار کرده بود از سوی دیگر، با غور و بررسی این منابع و تسهیل قرائتی نو از دین، به دفع شبهات آن روز و پاسخ به سؤالات دانشجویان می‌پرداخت.» (علیزاده، ۱۳۸۵: ۲۴) در نظر ایشان متکلم نمی‌تواند تحولات ذهن، زبان و زندگی مخاطبان وحی و همه انسانهای جهان را نادیده بگیرد. او باید با فهم و شناخت دقیق نیازها، مسائل و معضلات فکری بشر در دنیای جدید، اصالت وحی را در پاسخ‌گویی به نیازها حفظ کند؛ زیرا وحی اسلامی این توانایی را دارد که با اتکا به آن و با ابزارها، روشها و مبانی جدید به حل مسائل نو پردازد و با دقت در این نکته که فرهنگ زبانی و کلامی اصناف، متفاوت است، پس هرگاه متکلم با این فرهنگ‌های خاص آشنا باشد در مقصود کلامی خود کامیاب‌تر خواهد بود. اما اگر متکلم با زبان مخصوص مخاطب آشنایی نداشته باشد، باید از زبان مشترک و عمومی

استفاده کند، و از به کارگیری زبان مخصوص خود که برای مخاطب ناشناخته است بپرهیزد. استاد مطهری معمولاً در بحث‌های کلامی و به ویژه در بحث‌های گفتاری، از زبان عمومی بهره می‌جست و بی تکلف سخن می‌گفت، و اصطلاحات فنی را یا به کار نمی‌برد یا آن را با زبان ساده تبیین می‌کرد. بدین جهت، بحث‌های او گرچه درون مایه عمیقی داشت اما با زبانی ساده بیان می‌شد. این ویژگی در کامیابی او در ایفای رسالت کلامی‌اش نقش مؤثری داشت. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۴: ۷۳)

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که از طرفی سیل تبلیغات ضد دینی در جهان امروز را که با انواع روش‌های ادبی جذاب و به کارگیری انواع هنرهای مرسوم صورت می‌گیرد ملاحظه کنیم و از طرف دیگر ناکارآمدی ادبیات سنتی مرسوم مجامع دینی در تبیین دین به نسل‌های جدید جوامع و پاسخ به شبهات مختلف را مد نظر قرار دهیم. بنابراین متکلم اجتماعی باید در عین حفظ حقیقت دین و پایبندی به سنت‌های دینی و عمق معارف اسلامی، این هنر را در خود تقویت نماید که بتواند معارف عمیق اجتماعی دین را به زبان روز و جذاب توضیح دهد. بنابراین تبیین درست دین با ادبیات قابل فهم جایگاه عمده‌ای در کلام اجتماعی خواهد داشت زیرا همانطور که در تعریف کلام آمد در بسیاری از موارد منشأ اعتراض و شبهات مخالفان، تفسیر نادرست آنان از عقاید بوده و و راه پاسخگویی به این نوع شبهات و دفاع از دین، تفسیر و توضیح مفاهیم و عقاید دینی است.

۳-۴) پاسخ به شبهات وارده به آموزه‌های اجتماعی دین

یکی از وظایف مهم علم کلام و شخص متکلم، شناخت شبهات جدید و پاسخ به آنهاست. در دنیای امروز، کسی می‌تواند از انواع شبهات که با روش‌های گوناگون به آموزه‌های دینی وارد می‌شود آشنا باشد که دارای اطلاعات گسترده از آخرین نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان و مجامع علمی مختلف دنیا از یک طرف و افراد، گروه‌ها و رسانه‌های تبلیغی - اجتماعی از طرف دیگر باشد. در جامعه‌ی امروزی شبهات اجتماعی بسیاری با روش‌های مختلف و از طریق رسانه‌های گوناگون مطرح می‌شود و در ذهن و قلب مخاطبان - حتی مخاطبان جوامع اسلامی - تأثیرات ماندگار ضد دینی می‌گذارد که

متکلمان مختلف حتی از آن شبهات خبر ندارند یا بسیار دیر آگاه می‌شوند. در کلام اجتماعی علاوه بر شیوه‌های سنتی شناخت شبهه، باید شیوه‌هایی به متکلم آموخته شود که اولاً با سرعت از انواع شبهه‌های اجتماعی آگاه شود و ثانیاً بتواند با ادبیات و ابزارهای جدید، پاسخ‌های مقتضی و مناسب به آن شبهات بدهد و و حتی از شبهات جدید اعتقادی - اجتماعی استقبال کرده و آنها را زمینه و فرصتی برای ارائه‌ی بیش از پیش مبانی عمیق اجتماعی دین تلقی کند. همچنان که استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام تاکید می‌کند که بر خلاف بسیاری از افراد، از ایجاد شبهات و تشکیکاتی که در مسایل اسلامی می‌شود به هیچ وجه ناراحت نشده و بلکه در ته دلم خوشحال می‌شود. زیرا در عمر شریف خود به تجربه مشاهده کرده است که این آیین مقدس در هر جبهه که بیشتر مورد حمله واقع شده، با نیرومندی و جلوه و رونق بیشتری آشکار شده است و خاصیت حقیقت همین است که تشکیک به روشن شدن بیشتر آن کمک می‌کند. و البته لازمی اینها، آشنایی کامل با معارف دینی و سنت‌های کلامی است.

۴-۴) تحلیل درست مکاتب اجتماعی و مسائل نوظهور اجتماعی و تبیین موضع دین

مکاتب مختلف بسیاری در زمینه‌های سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و ... که در دوران جدید پدید آمده‌اند و همچنان تعداد آنها رو به افزایش است، تأثیرات شگرفی در تفکرات و سلاقیق و احساسات بشر جدید دارد. همچنین موضوعات و مقولات اجتماعی مختلفی در دوران جدید و معاصر که پایه‌های اعتقادی دارند یا به نحوی با مبانی اعتقادی و کلامی مرتبطند طرح می‌شوند مقولات جدیدی مثل مدرنیته، توسعه، تکنولوژی، جهانی شدن، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و ... لزوماً این مکاتب و این سنخ از موضوعات ممکن است به صورت مستقیم به عنوان شبهه یا خصم علیه دین پدید نیامده یا مطرح نشوند ولی عدم تحلیل درست آنها، می‌تواند در درازمدت تهدیدهایی اساسی برای مبانی اعتقادی و اجتماعی دین باشد. لازم است که موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌های کلامی در مبانی معرفتی چنین مکاتب و مقولات جدیدی توسط متکلم اجتماعی صورت گیرد و حتی می‌بایست با رصد نوع تفکر بشر امروز، به این پیش‌بینی‌ها دست یابد که در آینده چه موضوعات جدید اعتقادی - اجتماعی مطرح می‌شوند و پیش از طرح آنها، به آمادگی

معرفتی برای تبیین و تحلیل درست آنها نائل گردد. تحلیل‌هایی که استاد مطهری از مکاتبی مانند مارکسیسم و مقولاتی مانند آزادی اجتماعی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر و... کرده‌اند در همین راستا است.

۴-۵) تبیین کارکرد آموزه‌های اعتقادی در زندگی اجتماعی

در کلام اجتماعی می‌بایست فایده و کارکردهای آموزه‌های اعتقادی در زندگی بشر و بخصوص در زندگی اجتماعی تبیین گردد. این مسأله می‌تواند در گرایش هرچه بیشتر افراد انسانی به دین تأثیر داشته باشد. به عنوان نمونه، تبیین درستی از «تأثیر آموزه‌ی توحید در زندگی بشر» ارائه می‌گردد. البته روشن است که خداوند تنها به عنوان موضوعی برای فایده‌مندی دنیوی معرفی و انگاشته نمی‌شود (آنگونه که در تفکر پراگماتیستی چنین نگرشی بر موضوع خدا حاکم است)، بلکه اسلام با ارائه‌ی مفهوم وسیع‌تری از حیات، خداوند را محور و اساس هستی دانسته و سعادت همه‌جانبه‌ی بشر در گستره‌ی دنیا و آخرت را مرهون اعتقاد و ایمان راستین به خداوند متعال می‌داند. برای تبیین درستی از کارکرد اجتماعی توحید، می‌توان بحث از اوصاف خداوند را در عرصه‌ی اجتماعی مطرح کرد. به این صورت که اوصافی از خداوند متعال مثل عدل، فیض، رحمت و ... در انسان مؤمن متجلی می‌شود و جامعه‌ی توحیدی به عنوان مجموعه‌ای از انسان‌های مؤمن که در یک ارتباط معنادار موحدانه، به نهادها و مناسبات اجتماعی رنگ توحیدی می‌بخشند شکل می‌گیرد و ایجاد چنین جامعه‌ای، زمینه‌ی رشد افراد آن جامعه را به صورت پیوسته در ابعاد دنیوی و اخروی فراهم می‌کند. با دقت در این مسأله و توجه به اینکه نباید در دام تفکر پراگماتیستی قرار بگیریم اما تبیین فایده‌های اعتقاد به خدا، به عنوان وجه مکمل براهین اثبات فلسفی و کلامی خداوند - بخصوص برای عموم مردم - کاملاً قابل استفاده خواهد بود؛ بخصوص اینکه بسیاری از براهین فلسفی و کلامی محض برای عموم مردم ثقیل می‌باشد، که به نظر می‌رسد با ضمیمه کردن مباحث کارکردی وجود خداوند به آن براهین، می‌توان به شیرینی مباحث خداشناسی افزود تا قدمی در جهت انس و استفاده‌ی بیش از پیش عموم بشر با این مباحث اساسی باشد.

۴-۶) مدل‌سازی کلام اجتماعی

متکلم اجتماعی بیشتر از هرکسی به اعتقادات اجتماعی و نحوه‌ی تأثیر و نقش‌آفرینی آن در جامعه و نهادهای اجتماعی آگاه است. بنابراین او می‌باید دائماً برای مدل‌سازی در راستای بهبود اوضاع اجتماعی و ساخت یا تحول مثبت در جامعه و نهادهای اجتماعی و در مقیاس کلان‌تر، ارائه نظریه و مدل برای ایجاد تمدن نوین اسلامی تلاش نماید.

دغدغه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای از چند دهه قبل در این خصوص داشته و آن را در مقدمه‌ی کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» مطرح نموده است، تا حد زیادی گویای این مسئولیت است: «طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها، یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی است. مباحثات و تحقیقات اسلامی، پیش از این به طور غالب، فاقد این دو ویژگی بس مهم بوده و از این رو، در مقایسه‌ی اسلام با مکاتب و مسالک اجتماعی این روزگار، باحثان و جویندگان علم را چندان که شاید و باید، به نتیجه‌ی ثمربخش و قضاوت قاطع نرسانیده است ... چون عموماً بحث‌ها ذهنی و دور از حیطة‌ی عملی و عینی و مخصوصاً اجتماعی، انجام گرفته، بیش از معرفتی ذهنی به بار نیاورده و نسبت به زندگی جمعی انسان‌ها، علی‌الخصوص نسبت به تعیین شکل و قواره‌ی جامعه، تعهد و تکلیف و حتی نظریه‌ی روشن و مشخصی را ارائه نداده است. [بنابراین می‌بایست] معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض خارج گشته و - همچون همه‌ی مکاتب اجتماعی - ناظر به تکالیف عملی و به ویژه زندگی اجتماعی باشد و هر یک از مباحث نظری، از این دیدگاه که چه طرحی برای زندگی انسان و چه هدفی برای بودن او و چه راهی برای رسیدن به این هدف ارائه می‌دهد، مورد بررسی و تأمل و تحقیق قرار گیرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۳ و ۳۴)

و روشن است که ارائه‌ی ابعاد اجتماعی اعتقادات اسلامی در قالب یک مدل معرفتی ناظر به اجتماع، نقش مهمی در طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی خواهد بود.

۵) روش علم کلام اجتماعی

علم کلام بر خلاف علم فلسفه که تک‌روشی است و فقط از استدلال برهانی بهره می‌گیرد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۹۴) چند روشی بوده و از استدلال‌های مختلف در جهت

تبیین و اثبات مقصود خویش بهره می‌گیرد. عواملی مانند گستردگی موضوع، تکثر غایات و وظایف، چند تباری بودن برخی مسایل کلامی، رویکردهای گوناگون و سطوح مختلف مخاطبان باعث می‌شود که نتوان روش واحدی را برای علم کلام در نظر گرفت. هرچند از میان روش‌ها، روش عقلی و نقلی بر روش‌های دیگر غالب بوده و در طول تاریخ این علم تاکنون از جایگاه ویژه و در خور توجهی برخوردار بوده‌اند. (کاشفی، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۳) کلام اجتماعی اسلامی نیز با توجه به گستردگی در موضوعات، مسائل، غایات و وظایف، ماهیت میان رشته‌ای داشتن و همچنین مخاطبان بسیار متنوع آن به خصوص در دنیای امروز، ضرورت دارد که از روش‌های مختلف در جهت مطلوب کلامی خویش بهره جوید. هرچند که روش اصلی آن روش عقلی - نقلی می‌باشد. به عنوان نمونه، برای شناخت و استنباط جنبه‌های اجتماعی اعتقادات اسلامی از متون دینی، از روش عقلی و نقلی استفاده می‌نماید. در شناخت شبهات جدید اجتماعی، بنا به خاستگاه آن شبهه در علوم یا مکاتب مختلف، از روش‌های گوناگون آن علوم و مکاتب نیز بهره می‌جوید، در دفاع از آموزه‌های مختلف فقهی - اجتماعی، اخلاقی - اجتماعی و سیاست دینی، از روش‌های مرسوم در آن علوم نیز استفاده می‌نماید، در تبیین و ارائه‌ی اسلام به زبان روز، از روش‌های مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ادبی کمک می‌گیرد. یکی از روش‌های مهمی که در کلام اجتماعی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد روش پیشنهادی «کارکردگرایی مبتنی بر حقیقت» است. نگرش کارکردگرایی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مرسوم غربی مبتنی بر پراگماتیسم است که در این تفکر به جای آن که اثبات شود گزاره‌ای حق و مطابق با واقعیت است، اثبات می‌شود که اعتقاد به این جمله آثار مثبتی در زندگی انسان دارد و به دین به عنوان امری که باید در عرصه زندگی عملی و اجتماعی ما انسانها نقش مفیدی داشته باشد نگریده می‌شود؛ از این رو حوزه‌های به ظاهر «تنها تئوریک دین» را کنار نهاده و می‌خواهند بفهمند دین در زندگی انسان دیندار چه کارکرد مثبتی دارد که در زندگی انسان غیر دیندار آن را ندارد. روشن است که دفاع کارکردگرایانه از دین مفید است تنها و تنها اگر پشتوانه‌ی استدلالی هم داشته باشد. بر این اساس این روش کمک خواهد کرد که کارکردهای اجتماعی اعتقادات دینی با نگاه حقیقت

محور تبیین شود.

۶) تمایز کلام اجتماعی با دانش‌های دیگر

۶-۱) فلسفه‌ی اجتماع

در حالیکه موضوع فلسفه‌ی اجتماع، حقیقت جامعه است و روش آن کاملاً عقلانی و فلسفی است، موضوع کلام اجتماعی اعم از حقیقت جامعه و واقعیت‌های اجتماعی است و روش آن هم اعم از عقلی و نقلی. کلام اجتماعی علاوه بر استنادات نقلی، از استدلال‌های عقلی و فلسفی کمک می‌گیرد ولی آن را در خدمت هدف دینی خویش قرار می‌دهد.

۶-۲) فلسفه دین

بنابراین فلسفه دین به عنوان یکی از فلسفه‌های مضاف، با روش صرفاً عقلی و انتقادی به بررسی دین و مدعیات دینی می‌پردازد، درحالی که کلام اجتماعی اولاً از روش‌های مختلف بهره می‌برد و ثانیاً هدفش اثبات آموزه‌های دینی و دفاع از آنهاست.

۶-۳) کلام جدید

کلام اجتماعی با کلام جدید نسبت عموم و خصوص من وجه دارد. در حالی که مسائل کلام جدید اعم از مباحث فردی و اجتماعی است، مسائل کلام جدید، صرفاً مباحث اجتماعی را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر، مباحثی که کلام جدید به آنها می‌پردازد مباحثی است که در دوران جدید مطرح شده و یا قرائت جدیدی از آنها در دوران جدید ارائه شده است و در هر صورت وصف جدید بودن دارند اما مباحث کلام اجتماعی اعم از مباحث اجتماعی موجود در کلام سنتی و مباحث جدید اجتماعی است.

۶-۴) جامعه‌شناسی

با اینکه کلام اجتماعی و جامعه‌شناسی هر دو به بررسی اجتماع و مسایل اجتماعی می‌پردازند، اولی با رویکرد دینی و عقلی به این کار می‌پردازد و دومی با رویکرد تجربی و استقرایی.

نتیجه‌گیری

طرح «کلام اجتماعی» برای تبیین نظام‌مند آموزه‌های اجتماعی اسلام بخصوص در زمانه‌ی ما که شبهه‌ی قلمرو حداقلی دین اسلام و شبهات اجتماعی بسیاری در صدد تهدید

معارف اسلامی و منزوی کردن آن از شئون اجتماعی است طرحی لازم به نظر می‌رسد با این شرط و دقت که آموزه‌های اجتماعی اسلام به صورت گسسته از معارف دیگر اسلامی نگریسته نشود، همان‌گونه که در تفکرات برخی از متفکرین معاصر به چشم می‌خورد که غالباً تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی از دین ارائه کرده و از جنبه‌های فلسفی، معنوی و عرفانی آن غفلت کرده یا کم‌رنگ جلوه داده‌اند بلکه می‌بایست به عنوان بخشی از یک کل و سیستم نظام‌مند مورد تحلیل واقع گردد. از آنجایی که رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی در کشور ما در حال حاضر، در وضعیت بازنگری و بازبینی قرار دارد تا متناسب با فرهنگ اسلامی و شیعی این جامعه طراحی و قالب‌گیری شود، به نظر می‌رسد بسط و توسعه‌ی ایده‌ی کلام اجتماعی می‌تواند در این عرصه مفید و سازنده باشد. زیرا پژوهش و تحقیق در متون اجتماعی دین که شامل آیات اجتماعی قرآن مجید و احادیث اجتماعی پیامبر (ص) و امامان شیعی (ع) می‌باشد، یکی از ضروری‌ترین و شایسته‌ترین عرصه‌های زمین مانده‌ای است که باید هرچه زودتر احیا گردد و آشنایی دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی با متون اجتماعی اسلام، بدون تردید گامی اساسی در ایجاد تحول در عرصه‌های آموزش دانش اجتماعی، و بسترسازی جهت شکوفایی نظریه‌پردازی بومی و اسلامی محسوب می‌گردد و ایجاد گرایش کلام اجتماعی اسلام، این زمینه را مهیا خواهد نمود و می‌تواند قدمی در راستای پاسخ به نیازهای متعدد فکری نظام موجود اسلامی و تمدن موعود اسلامی باشد. با تبیین ساختار معرفتی کلام اجتماعی اسلامی، به نظر می‌رسد کلام شیعی برخوردار از ظرفیت‌های بالایی برای نقش‌آفرینی در راستای تبیین توحید اجتماعی و ایجاد جامعه‌ی توحیدی و تمدن نوین اسلامی است و لازمه‌ی استفاده از چنین ظرفیتی، تلاش علمی در جهت ایجاد چنین گرایشی است. برای تحقق این امر پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی «علوم انسانی اسلامی» و «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، به ایجاد اتاق فکر در عرصه‌ی کلام اجتماعی و برگزاری کرسی‌های معرفتی و نظریه‌پردازی در این زمینه اقدام نمایند تا نتیجه‌ی آن در اعتلای حقیقی نظام جمهوری اسلامی و حرکت در جهت ایجاد تمدن اسلامی نمایان شود.

منابع:

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۷۵)، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۸.
- امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۹)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چ ۱۰.
- ایجی، عضدالدین، (۱۳۲۵ق)، *المواقف*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- بحرانی، ابن میثم، (۱۴۰۶ق)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم: مکتبه آیة‌الله مرعشی نجفی.
- بهشتی، احمد، (۱۳۷۲)، علم کلام و کلام جدید، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۳، صص ۸۶-۹۳.
- تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- جرجانی، علی بن محمد، (بی تا)، *التعریفات*، بیروت: دارالسرور.
- ، (۱۴۱۹ق)، *شرح المواقف*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۶۳)، *جوهر النضید*، قم: انتشارات تبیدار.
- ، (۱۴۱۹ق)، *نهایه المرام فی علم الکلام*، تحقیق فاضل عرفان، ج ۱، قم: موسسه امام صادق(ع)، چ ۱.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: صهبا، چ ۱.
- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۴)، تحول و تجدد در علم کلام، *قبسات*، شماره ۳۸، صص ۵۳-۷۴.
- ، (۱۳۷۸)، *درآمدی بر علم کلام*، قم: انتشارات دارالفکر.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۱ق)، *نظریه المعرفة*، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چ ۱.
- علیزاده، بیوک، (۱۳۸۵)، از فلسفه قدیم به کلام جدید، *خردنامه همشهری*، شماره ۳، صص ۲۳-۲۴.
- فارابی، ابی نصر محمد، (۱۹۹۱)، *احصاء العلوم*، بیروت: مرکز الانماء القومی.
- فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۸۳)، *استاد مطهری و کلام جدید*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، *کلام شیعه*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۳.
- لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۴۲۵ق)، *شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*، قم: مؤسسه امام صادق،

چ ۱.

- ، (۱۳۸۳)، گوهر مراد، تصحیح موسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)، قم: نشر سایه، چ ۱.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران: صدرا، چ ۶.
- ، (۱۳۸۰)، *عدل الهی*، تهران: صدرا، چ ۱۶.
- ، (۱۳۷۵)، *مجموعه آثار*، ج ۳، تهران: صدرا، چ ۵.
- ، (۱۳۸۷)، *مجموعه آثار*، ج ۲۴، تهران: صدرا، چ ۲.
- ، (۱۳۸۶)، *مجموعه آثار*، ج ۱، تهران: صدرا، چ ۱۴.
- ، (۱۳۸۹)، *وحی و نبوت*، تهران: صدرا، چ ۲۸.
- مکدرموت، مارتین، (۱۳۷۲)، *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

The Epistemological Structure of “Social Theology” Inspired by the thought of Master Motahhari

Fayyaz Rostami Yekta¹, Ali Allahbedashti²

Abstract

The present paper employs a mixed documentary-analysis research method to prove the need for establishing an academic major titled “Social theology.” Inspired by Master Motahhari’s thoughts thus, the epistemological structure of social theology is analyzed, the findings of which are as follows: Considering the maximum realm of Islam on the one hand and the various socio-religious needs of contemporary man on the other hand, the establishment of social theology seems necessary. A definition of Islamic social theology was obtained which has four pillars including "explanation and confirmation of social beliefs", "explanation and confirmation of social teachings of Islam", "analysis of emerging social issues" and "explanation of social functions of doctrinal teachings". Social Theology has a variety of subjects, of which social beliefs and social suspicions are among the most important, and in addition to the conventional socio-doctrinal issues, it includes other major issues. Due to the breadth of subjects, issues, goals, and interdisciplinary nature, social theology benefits from various methods.

Keywords: Theology, Social theology, Master Motahhari, Epistemological Structure.

¹. Corresponding author: Faculty member, Department of Islamic Studies, Hashtgerd Branch, Islamic Azad University, Hashtgerd, Iran

². Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Qom University, Qom, Iran